

تأثیر عفو در تکرار جرم

عفو اعم از عمومی یا خصوصی جزء مبحثی از قانون مجازات عمومی است که عنوان « وسائل جلوگیری از محکومیت و رفع اثرات آن » دارد.

این عنوان تاچه اندازه در مورد قابل انطباق است و آیا واقعاً اثرات محکومیت در حقیقت و بالمره از بین میرد و یا آنکه آثاری در موارد خاص باقی میگذارد قابل بحث میباشد.

این نکته روشن است که هیچ جنحه یا جنایتی را نمیتوان عفو نمود یا مجازات آنرا تخفیف داد مگر در مواردی که قانون آنرا قابل عفو دانسته یا در مجازات آن تخفیفی قائل شده است؛ این اختیاری و قانون گذار بقوه اجرائیه تفویض کرده متضمن شرایط و مقدمات چندی است:

مثلاً آنکه جنحه و جنایت سیاسی یا جنحه و جنایات عادی که در اثنای انقلابات سیاسی واقع میشود در صورتی مورد عفو واقع میشود که قانون اجازه آن را بدهد؛ یا در جرائم سیاسی پادشاه پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب نخست وزیر تمام یا قسمتی از مجازات اشخاص را که بموجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده اند میتواند عفو نماید و یا در جرائم غیر سیاسی اشخاصی که محکوم باعدام شده اند تبدیل بحبس با اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرائم را یکدرجه تخفیف داده و یا قسمتی از آن را تاریخ عفو کند.

عفو چیست؟

منتسکیو میگوید: « عفو یکی از صفات خاصه پادشاه است. در حکومت استبداد چون ترس حکمفرماست عفو کمتر مورد استعمال پیدا می کند زیرا باید با دستورهای سخت از عملیات بزرگان کشور جلوگیری کرد اما در حکومت های مشروطه که شرافت فرمانرواست و آنچه را که قانون منع میکند غالباً شرافت تجویز مینماید عفو بیشتر لازم است؛ پادشاهان بقدری از عفو فائده و لذت میبرند و بقدری محبت مردم دنبال آن میآید بقدری عفو موجب تسلی خاطر و سربلندی میشود که همیشه برای آنها فرصت ابراز محبت خود یکنوع سعادت و خوشبختی میباشد... »

یکی از اموری که مجرم از مجازات خلاص میشود عفو است زیرا در چهار مورد مجرم از مجازات رهایی پیدا می کند: مرگ، عفو عمومی یا خصوصی، مرور زمان، اعاده مجرم باعتبار سابقه.

عفو عمومی فراموش نمودن بعضی از جرائم میباشد ممکن است عفو عمومی

تأثیر عفو در تکرار جرم

قبل یا پس از محکومیت باشد که در هر صورت کلیه اثرات جرم و تعقیب و محکومیت را محو نماید.

عفو عمومی از خصائص قوه مقننه است عفو عمومی همیشه وجود داشته و در قدیم بوسیله سلاطین اعمال میگشته است هر گاه عفو عمومی قبل از محکومیت قطعی باشد تعقیب متهم را موقوف میدارد و در صورتیکه بعد از محکومیت باشد آثار محکومیت مجرم را بکلی محو مینمایند و اشخاصی که مورد عفو واقع میشوند نمی توانند از آن استماع کنند بنا برین میتوان گفت که عفو تحمیل میشود و در صورت محکومیت عفو عمومی دارای اثرات قهرائی خواهد بود و کلیه عفو شدگان که محکوم بحبس شده یا در توقیف هستند فوراً مستخلص گشته و جرائم نقدی یا مخارج محاکمه را نمیتوان از آنها مطالبه نمود و در صورتیکه تأدیه نموده باشند بآنها مسترد خواهد شد و هر گاه مرتکب جرمی پس از عفو شوند مجازات تکرار جرم شامل حال آنها خواهد بود و بدیهی است اثرات عفو عمومی شامل دعاوی خصوصی نمیشود و دعاوی راجعه بجران خسارات وارده از جرم باشخاص ثالث باقی خواهد بود.

عفو خصوصی عبارت از بخشش تمام یا یک جزء از مجازات مجرم است بوسیله رئیس مملکت برخلاف عفو عمومی که دارای اثرات قهرائی و زائل کننده اثرات محکومیت گذشته است اثرات عفو خصوصی آنی است باین معنی که جرم و محکومیت بجای خود باقی ولی مجازات مجری نمیکردد بنا برین بخشش یک جزء از مجازات یا تغییر آن ب مجازات خفیف تر مانع از محرومیت از حقوق اجتماعی یا محرومیت از بعض حقوق اجتماعی یا مدنی یا خانوادگی نخواهد شد مگر اینکه در تبدیل مجازات ، مجازات دوم مستلزم محرومیت های مزبوره باشد .

محکومی که مورد عفو خصوصی واقع میشود هر گاه مرتکب جرم دیگری گردد مشمول مقررات تکرار جرم خواهد بود و باضافه عفو خصوصی مجرم را از جبران خسارات وارده باشخاص ثالث معاف نخواهد داشت!

حال که تا اندازه از عفو و اثرات آن مستحضر شدیم باصل مطلب میپردازیم :
حکمی از دیوان کشور صادر شده که با درج آن بهتر موضوع روشن و بررسی در اطراف آن عنوان تأثیر عفو در تکرار جرم را کاملاً واضح و آشکار میسازد.

شخصی باتهام شرکت در قتل (موضوع ماده ۱۷۵ مکرر) مورد تعقیب واقع دادگاه جنائی او را بدو سال حبس محکوم که قطعی و اجرا شده ضمناً یک ربع از مجازات مورد عفو واقع و بعداً در فروردین ۲۲ باتهام شرکت در قتل دیگری تحت تعقیب درآمد که نظیر و مماثل همان جرم سابق است دادگاه جنائی تاریخ اتهام مدت مجازات را احتساب و در دفعه دوم سابقه او را بحساب آورده و از حد اکثر مجازات ماده ۱۷۵ مکرر که ده سال است تجاوز نموده و او را پانزده سال حبس محکوم کرده است دیوان کشور چنین اظهار نظر کرده است که اتمام مدت مجازات محکومیت مشارالیه پس از تخفیف قانونی در تاریخ آزادی مشارالیه از زندان بوده چنین گفته است :

تأثیر عفو در تکرار جرم

« در مورد محکومیت مهدی قلی حکم از حیث کیفر مخدوش و برخلاف قانون است چه آنکه مهدی قلی پس از محکومیت در سال ۱۳۱۱ بجزای جنائی از تاریخ ۲۲/۹/۱۰۴ زندان آزاد شده و اتمام مدت مجازات محکومیت مشارالیه پس از تخفیف قانونی در تاریخ آزادی مشارالیه از زندان بوده و طبق شق یک ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی حکم تکرار جرم وقتی در باره او جاری است که در ظرف مدت ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مرتکب جرمی نشود در این مورد ارتکاب جرم مورد حکم در فروردین ۱۳۳۳ بوده که ده سال مقرر منقضی بوده بنا برین رعایت تکرار صحیح نبوده است. »

مطلب حساس قضیه در خصوص اتمام مدت مجازات است و بحث ما در اطراف این قضیه است زیرا در شق یک ماده ۲۴ که می نویسد « کسی که بحکم لازم الاجرا محکوم بجزای جنائی شده و در ظرف ده سال از تاریخ اتمام مدت مجازات مجدداً مرتکب جنحه مهم و یا جنایتی گردد اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد » باید دید اتمام مدت مجازات که ضمن آن کاری با اجرا یا عدم اجرای آن ندارد آیا مقدار عفوی که بان برخورد میکند مدت را (با تنقیح ماده ۲۵ اصلاحی مصوب خرداد ۱۳۱۰) حکم میکند یا خیر ؟

بنظر ما اتمام مدت مجازات همان مدت زمان و فاصله ای است که دادگاه بدوی صرف نظر از عفو حکم داده و محکومیتی برای مجرم قائل شده است اولاً عفو جزء عوامل و کیفیات خارجی است و میتواند مؤثر در گسیختن و کم کردن مدت حکم مجازات قطعی شده در باره متهم واقع شود.

ثانیاً از مجازات اعم از اینکه حکم سابق اجرا شده یا نشده باشد نمی توان صرف نظر کرد و توسل بتاریخ آزادی مجرم نمود چه آنکه عفو بخودی خود تأثیری در جریان کار قانونی احکام تکرار جرم ندارد ثالثاً اجرای مجازات که بوسیله مأمورین و ضابطین دادگستری انجام میگیرد و تعلیق اجرای حکم بقیه مدت محکومیت در اثر برخورد با عفو در حقیقت محکومیت متهم را کم نمی کند بلکه تخفیف در کار او میدهد و الا لازم میآید که تصور شود قوه مجریه مداخله در کار قوه قضائیه کرده است.

اما مطلبی که دیوان کشور مورد توجه قرار داده همان موضوع ارفاق بحال مجرم است که ملاک حکم قرارداده و خواسته است چنین نتیجه بگیرد که تاریخ آزادی متهم از زندان در حقیقت تاریخ اتمام مدت محکومیت محسوب است در اثر تکرار جرم صرف نظر از اجرا یا عدم اجراء صرفاً تاریخ بعد از آزادی مناط عمل خواهد بود . در خاتمه این بحث بفرسفه تکرار جرم توجه نموده و عقاید مختلف را شرح میدهم دسته ای معتقدند که تکرار نیاستی موجب تشدید مجازات بشود برای اینکه

تأثیر عفو در تکرار جرم

مجرم مجازات جرم سابق را دیده و دیگر موجبی برای تشدید در صورت تکرار نیست گروهی معتقدند که فلسفه تشریح مجازات تهذیب خلق مجرم است نه تشفی جامعه چنانچه اخلاق مجرم در اثر مجازات مرتبه اولی اصلاح نشد و باز مرتکب همان جرم گردید این جریان حکایت دارد از اینکه مجازات اولی تأثیری در روحیات او نکرده است که مجدداً مرتکب جرم شده عده معتقدند در تکرار جرم باید جرم ثانی معادل و مشابه اول باشد و دسته‌ای معادل را اعتبار منشاء گرفته‌اند نه در وصف :

در هر حال عفو مدت محکومیت را ولو اینکه در صورت ظاهر کم می‌کند ولی در مرور زمان دهساله با توجه بماده ۲۴ قانون مجازات عمومی وجمله اعم از اینکه اجرا شده یا نشده باشد مخصوصاً نمی‌تواند مؤثر واقع شده و تاریخ آزادی متهم از زندان مناط احتساب مدت مقرر نخواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی